

انس، قاهره، دار السعاده، بی تا؛ مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام: زین الدین بن علی، شهید ثانی (۹۱۱-۹۶۶ق.م)، قم، انتشارات معارف اسلامی، ۱۴۱۶ق؛ مستمسک العروة الوثقی: سید محسن حکیم (م. ۱۳۹۰ق.م)، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق؛ مستند الشیعة فی احکام الشریعه: احمد بن محمد مهدی التراقی (۱۱۸۵-۱۲۴۵ق.م)، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۵ق؛ مسند الامام احمد بن حنبل: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.م)، بیروت، دار الصادر، بی تا؛ المعترف فی شرح المختصر: جعفر بن حسن محقق حلی (۶۰۲-۶۷۶ق.م)، قم، انتشارات سید الشهداء، ۱۳۶۴ش؛ المعتمد فی شرح المناسک: (کتاب الحج: محاضرات الخویی): به کوشش محمدرضا موسوی خلخالی، قم، انتشارات دار العلم / مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی، ۱۴۱۰ق؛ معرفة السنن والآثار: احمد بن الحسين البيهقي (م. ۴۵۸ق.م)، تحقیق کسروی حسین، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ مغنی المحتاج الی معرفة معانی الفاظ المنهاج: محمد بن احمد الشربینی (م. ۹۷۷ق.م)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ق؛ المغنی: عبدالله بن قدامه (م. ۶۲۰ق.م)، بیروت، دار الکتب العربی؛ المقنع: محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) (۳۱۱-۳۸۱ق.م)، قم، انتشارات مؤسسه الامام الهادی، ۱۴۱۵ق؛ المقنعه: شیخ مفید محمد بن محمد بن النعمان (۳۳۶-۴۱۳ق.م)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق؛ من لایحضره الفقیه: محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) (۳۱۱-۳۸۱ق.م)، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق؛ مناسک حج (المحشی): سید روح الله

خمینی (م. ۱۳۶۸ش.م)، تهران، مشعر، ۱۳۸۱ش؛ مناسک حج و عمره: محمد تقی بهجت (م. ۱۴۳۰ق.م)، قم، شفق، ۱۴۲۴ق؛ منتخب مناسک حج: سید روح الله خمینی (م. ۱۳۶۸ش.م)، تهران، مشعر، ۱۴۲۶ق؛ منتهی المطلب فی تحقیق المذهب: حسن بن یوسف حلی (۶۴۸-۷۲۶ق.م)، مشهد، انتشارات بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۱۴ق؛ مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام: سید عبدالعزیز سبزواری (م. ۱۴۱۴ق.م)، مکتبه آیه الله سبزواری، ۱۴۱۶ق؛ المهذب: عبدالعزیز بن تحریر البراج (م. ۴۸۱ق.م)، تحقیق مؤسسه سید الشهداء، قم، نشر الاسلامی، ۱۴۰۶ق؛ مواهب الجلیل: محمد بن محمد الحطاب الرعینبی (م. ۹۵۴ق.م)، تحقیق زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق؛ وسائل الشیعه (تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه): محمد بن الحسن الحر العاملی (۱۰۳۳-۱۱۰۴ق.م)، به کوشش عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

سعید گلاب بخش



## حج بذلی: حج واجب شده با پرداخت هزینه

آن از سوی دیگری

حج بذلی که از دو واژه «حج» به معنای قصد<sup>۱</sup> و «بذل» (نقیض منع و بازداری) به

۱. مقایس اللغة، ج ۲، ص ۲۹، «حج»؛ لسان العرب، ج ۲، ص ۲۲۶، «حج».

و جوب بذل و شرایط و جوب قبول آن است.  
**◀ مصادیق بذل حج:** به تصریح فقهای امامیه، بذل حج، با تعهد به پرداخت هزینه حج می‌بذول له با همراه بردن او به حج یا فرستادنش به حج - بدون همراهی با او - محقق می‌شود.<sup>۸</sup> در مواردی هم که نهاد یا ارگانی، فردی را بدون الزام به انجام کاری به حج می‌فرستد، حکم استطاعت بذلی جاری است.<sup>۹</sup> همان گونه که بنا بر قولی، با پرداخت خمس و زکات به دیگری، به شرط انجام حج، بذل حج تحقق می‌یابد.<sup>۱۰</sup>

فقیهان امامی، با استناد به روایات<sup>۱۱</sup>، بر آنند در مواردی که انجام حج بر مکلف مستحب است، بذل هزینه حج به دیگری برای انجام حج نیز استحباب دارد.<sup>۱۲</sup> همچنین بردن اعضای خانواده به حج، هر چند با صرفه‌جویی در هزینه زندگی یا وام گرفتن، مستحب است.<sup>۱۳</sup> در روایتی از امام رضا علیه السلام ثواب به حج فرستادن سه تن از مؤمنان معادل

معنای بخشش از روی تمایل قلبی<sup>۱</sup> ترکیب یافته، در اصطلاح فقه به حجی گفته می‌شود که با پرداخت هزینه آن توسط دیگری واجب می‌گردد.<sup>۲</sup> از واژه‌های مرتبط با این اصطلاح می‌توان از عناوینی چون «احجاج»<sup>۳</sup>، «استطاعت بذلی»<sup>۴</sup> و «عرضه حج»<sup>۵</sup> نام برد. در چنین حجی به بذل کننده، باذل و به کسی که به او بذل می‌گردد، می‌بذول له اطلاق می‌شود.<sup>۶</sup> تفاوت حج بذلی با حج اجاره‌ای در این است که در حج بذلی، فرد حج گزار حج را از جانب خود و برای خود به جا می‌آورد. ولی در حج اجاره‌ای یا نیابتی، حج را به نیابت از اجاره کننده یا منوب عنه به جا می‌آورد.<sup>۷</sup>

بذل حج (پرداخت هزینه حج دیگری) گاه واجب و گاه مستحب است؛ چنان که قبول بذل دیگران در انجام حج با شرایطی واجب می‌شود و این، خود نشانگر اهمیت بحث از موارد

۱. کتاب العین، ج ۸، ص ۱۸۷؛ لسان العرب، ج ۱۱، ص ۵۰؛ المصباح المنیر، ج ۱، ص ۴۱، «بذل».

۲. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۹۸.

۳. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۳۴۱-۳۴۲.

۴. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۰۰؛ کلمة التقوی، ج ۳، ص ۴۷.

۵. کتاب الحج، شاهرودی، ج ۱، ص ۱۵۳.

۶. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۶۲؛ مسالک الافهام، ج ۳، ص ۱۵؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۶۳.

۷. یک دوره فقه کامل فارسی، ص ۶۴-۶۵؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۶۱.

۸. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۶۱.

۹. توضیح المناسک، ص ۴۴.

۱۰. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۰۲؛ فقه الصادق، ج ۹، ص ۱۰۷.

۱۱. الجعفریات، ص ۶۶؛ الکافی، ج ۴، ص ۲۵۳؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۱۸.

۱۲. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۲۱، ۵۹۶.

۱۳. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۱۶.

خریداری خویشتن از خدا (خلاصی از دوزخ) بیان شده است.<sup>۱</sup> در سیره امام صادق علیه السلام نیز مواردی از فرستادن خویشان و دوستان به حج گزارش شده است.<sup>۲</sup> در منابع فقهی بذل حج در پاره‌ای موارد واجب به شمار آمده، آن موارد عبارتند از:

۱. پیشگیری از تعطیلی حج: فقیهان امامی به استناد روایات<sup>۳</sup> بر آنند که در صورت خودداری مردم از حضور در مراسم حج و خالی شدن مکه از حاجیان در آن موسم، بر حاکم اسلامی است که مردم را به رفتن و حج گزاردن وادارد و در صورت عدم تمکن مالی آنان، با بذل هزینه سفر حج از بیت‌المال، از تعطیلی حج جلوگیری کند.<sup>۴</sup> به تصریح برخی فقیهان، پرداخت هزینه حج در چنین صورتی، بر افرادی که تمکن مالی دارند، نیز واجب کفایی است.<sup>۵</sup>

۲. همراه داشتن محرم برای زن: از دیدگاه بسیاری از اهل سنت، همراه داشتن محرم، از شرایط وجوب حج بر زنان است.<sup>۶</sup> امامیان نیز

در صورت خوف، همراه داشتن محرم را شرط می‌دانند.<sup>۷</sup> حال اگر همراه بودن محرم متوقف بر بذل هزینه حج او باشد، پرداخت آن هزینه بر زن، در صورت تمکن مالی، واجب است.<sup>۸</sup> در فقه اهل سنت هم پرداخت این هزینه واجب به شمار آمده است.<sup>۹</sup>

۳. پرداخت مخارج حج پدر: معدودی از فقیهان امامی بر این باورند که در صورت توانایی مالی فرزند، بر وی واجب است هزینه حج پدر غیر مستطیعش را بپردازد.<sup>۱۰</sup> مشهور فقها این بذل را واجب نمی‌دانند و تنها برخی به استحباب آن فتوا داده‌اند.<sup>۱۱</sup>

۴. وصیت، نذر و...: به تصریح بسیاری از فقها، وصیت به بذل حج، وقف مال برای این منظور و نیز نذر بذل حج، پرداخت هزینه حج را واجب می‌کند.<sup>۱۲</sup> اساساً برخی از امامیان،

۷. منتهی‌المطلب، ج ۱۰، ص ۱۱۱؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۸۹-۹۰؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۵۱.

۸. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۵۵؛ الحدائق الناضره، ج ۱۴، ص ۱۴۳-۱۴۴؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۵۱.

۹. المغنی، ج ۳، ص ۱۹۲؛ المیسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۶۳؛ الانصاف، ج ۳، ص ۳۹۹.

۱۰. المیسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۲۹۹؛ الخلاف، ج ۲، ص ۲۵۰.

۱۱. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۶۲؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۱۳۷؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۷۵-۲۷۷.

۱۲. کتاب الحج، داماد، ج ۱، ص ۶۷؛ مصباح الپدی، ج ۱۲، ص ۱۴۹؛ جامع المسائل، ج ۱، ص ۲۰-۲۰۱.

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۱۶.

۲. الجعفریات، ص ۶۶.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۲۷۲؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۴۴۱.

۴. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۴۳؛ مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۰، ص ۸۷.

۵. کشف الغطاء، ج ۴، ص ۴۶۸.

۶. الاستذکار، ج ۴، ص ۴۱۱-۴۱۲؛ تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۳۸۷؛ المغنی، ج ۳، ص ۱۹۲.

اهل سنت، به طور کلی بذل یا اباحه مال را موجب و جوب حج نمی دانند<sup>۱</sup>؛ و تنها شافعی بر اساس یکی از اقوال منسوب به او و برخی شافعیان، معتقدند چنانچه قبول بذل مستلزم منت نباشد -، مانند آن جا که بذل از سوی فرزند مبذول له صورت پذیرد - استطاعت حاصل، و انجام حج بر شخص واجب می شود.<sup>۲</sup> شافعی در نظریه دیگرش، موافق مشهور اهل سنت، مطلقاً بذل را محقق استطاعت نمی داند.<sup>۳</sup> از این رو دیدگاه اهل سنت، در بسیاری از فروع این بحث، مطرح نیست.

به تصریح شماری از فقهای امامیه و به دلیل وجود احادیثی، در فرض تعدد باذل یا مبذول له هم حج بذلی واجب خواهد بود؛ به این معنا که اگر چند نفر با هم، هزینه حج دیگری را بر عهده گرفتند، انجام حج بر او واجب است<sup>۴</sup>؛ چنان که احادیثی بر این مسئله دلالت دارند.<sup>۵</sup> چنان که در صورت بذل به چند نفر،

۷. ذخیره المعاد، ج ۲، ص ۵۶۰؛ کتاب الحج، انصاری، ص ۳۹-۴۰؛ تفصیل الشریعه، ج ۱، ص ۱۷۵-۱۷۸.  
۸. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۲۲؛ المغنی، ج ۳، ص ۱۷۰.  
۹. نهاية المحتاج، ج ۳، ص ۲۵۳؛ المغنی، ج ۳، ص ۱۷۰؛ المجموع، ج ۷، ص ۹۹.  
۱۰. المغنی، ج ۳، ص ۱۷۰؛ تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۲۸۶؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۲۲.  
۱۱. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۰۸.  
۱۲. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۸.

و جوب قبول بذل حج را اختصاص به این صورت داده اند.<sup>۱</sup>

#### ◀ تأثیر بذل در وجوب حج: فقیهان

امامی و اهل سنت، با توجه به آیه ۹۷ آل عمران/۳ ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ به اتفاق بر آنند یکی از شرایط وجوب حج، حصول استطاعت است.<sup>۲</sup> به تصریح منابع روایی امامیان کسی که حج بر او عرضه شده، از افراد مستطیع به شمار می آید و حج بر او واجب است.<sup>۳</sup> به قول مشهور فقهای امامیه، بلکه به اجماع آنان<sup>۴</sup>؛ در صورت بذل هزینه حج توسط دیگری و وجود شرایط دیگر، استطاعت بذلی حاصل شده و حج، بر مبذول له واجب می شود و در صورت امتناع از پذیرش بذل، حج بر ذمه او مستقر گشته و باید به هر صورت ممکن، آن را انجام دهد.<sup>۵</sup> مستند آنان در این باره، افزون بر اطلاق آیه مذکور، روایات<sup>۶</sup> است.<sup>۷</sup> در مقابل بیشتر فقهای

۱. جامع المقاصد، ج ۳، ص ۱۲۹.  
۲. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۶۲؛ تحریر الأحکام، ج ۱، ص ۵۴۷.  
۳. المحاسن ج ۱، ص ۲۹۶؛ التوحید، صدوق، ص ۳۵۰؛ تهذیب الاحکام ج ۵، ص ۴.  
۴. منتهی المطلب، ج ۱۰، ص ۷۸؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۶۱.  
۵. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۱۱-۱۲؛ کشف اللثام، ج ۵، ص ۱۰۲؛ الحدائق الناضرة، ج ۱۴، ص ۱۰۰.  
۶. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹.

انجام حج بر همه آنان واجب کفایی است و اگر همه ترک کنند، حج بر تمام آنها مستقر می شود.<sup>۱</sup> همچنین گفته اند: «اگر شخص تنها بخشی از مخارج حج را داشته باشد و دیگری آن را تکمیل کند، در این صورت نیز شخص مستطیع شده و حج بر او واجب خواهد بود.<sup>۲</sup> البته استطاعت او در این صورت در حکم استطاعت مالی است، نه استطاعت بذلی».<sup>۳</sup> استطاعت بذلی، در مقایسه با استطاعت مالی، از ویژگی‌های ذیل برخوردار است:

۱. عدم اشتراط رجوع به کفایت در آن: به نظر بیشتر فقهای امامی، رجوع به کفایت (توانایی مالی اداره زندگی خود و خانواده پس از انجام حج و بازگشت به وطن) در استطاعت مالی شرط است. اما حصول استطاعت در حج بذلی منوط به رجوع به کفایت نیست؛ مگر این که انجام حج، موجب حرج مشقت یا اخلال در روند زندگی شخص گردد که در این صورت، حج واجب نخواهد بود.<sup>۴</sup>

۲. عدم اشتراط استطاعت بذلی به مالکیت زاد و راحله: به تصریح بسیاری از فقها استطاعت در حج بذلی - بر خلاف استطاعت مالی - منوط به تملیک زاد و راحله از سوی باذل نیست و با اباحه زاد و راحله نیز تحقق می یابد؛<sup>۵</sup> هر چند معدودی در وجوب قبول بذل، تملیک زاد و راحله را شرط دانسته اند.<sup>۶</sup> شماری از اهل سنت هم به عدم تحقق استطاعت به اباحه تصریح کرده اند.<sup>۷</sup>

۳. عدم مانعیت بدهکاری از استطاعت بذلی: در استطاعت بذلی - بر خلاف استطاعت مالی - بدهکاری مانع استطاعت و وجوب حج بر مبذول له نیست؛ مگر آن که دین، حال باشد و طلبکار آن را مطالبه کند و با نرفتن به حج بتواند آن را پردازد که بسیاری در این صورت حج را واجب ندانسته اند.<sup>۸</sup>

با توجه به این تفاوت‌ها، افراد فاقد استطاعت مالی می توانند با تعهد به پرداخت هزینه حج یکدیگر، واجد استطاعت بذلی گردند و بدین سبب حج آنان حجة الاسلام

۱. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۰۴-۴۰۵؛ کلمة التقوی، ج ۳، ص ۵۲؛ مناسک الحج، خوبی، ص ۳۹.  
 ۲. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۴۷؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۶۶؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۹۹.  
 ۳. انوار الفقاهه، ص ۲۲؛ کلمة التقوی، ج ۳، ص ۶۲.  
 ۴. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۳۰۸-۳۰۹؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۰۰؛ معتمد العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۶۶.

۵. ذخیره المعاد، ج ۲، ص ۵۶۰؛ کلمة التقوی، ج ۳، ص ۴۳-۴۷؛ معتمد العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۶۳.  
 ۶. السرائر، ج ۱، ص ۵۱۷.  
 ۷. حاشیه رد المحتار، ج ۲، ص ۵۰۷؛ تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۲۸۶.  
 ۸. الدروس الشرعیة، ج ۱، ص ۲۶۶؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۶۶؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۰۰.

اساس این شرط، قبول بذل بر کسی که حجة الاسلام خود را به جا آورده، واجب نیست؛ مگر آن که حج با نذر یا افساد حج بر او مستقر شده و تمکن از ادای آن نداشته باشد.<sup>۶</sup> هم‌چنان که قبول حج بذلی و نایب گرفتن بر کسی که خود استطاعت بدنی انجام حج را ندارد، واجب نیست.<sup>۷</sup> همچنین به تصریح امامیان، وظیفه حج گزار در نوع حج، با بذل حج برای نوعی دیگر، تغییر نمی‌یابد. بنا بر این قبول حج افراد یا قران بر کسی که وظیفه او انجام حج تمتع است، واجب نخواهد بود.<sup>۸</sup>

۳. اطمینان به باذل: شماری از فقیهان امامی<sup>۹</sup> و اهل سنت<sup>۱۰</sup> قابل اطمینان بودن باذل و برخی عدم گمان به کذب باذل را در وجوب حج بر مبذول له شرط دانسته‌اند.<sup>۱۱</sup> برخی نیز اطمینان به باذل یا تملیک هزینه حج را به نحو علی البدل شرط کرده‌اند.<sup>۱۲</sup>

۶. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۰۶؛ المعتمد فی شرح المناسک، ج ۳، ص ۸۰.  
۷. جامع الفتاوی، ص ۳۸.

۸. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۰۶؛ المعتمد فی شرح المناسک، ج ۳، ص ۸۰.

۹. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۴۶؛ ذخیره المعاد، ج ۲، ص ۵۶۰؛ مفاتیح الشرائع، ج ۱، ص ۲۹۸.

۱۰. المجموع، ج ۷، ص ۹۵.

۱۱. مجمع الفائدة و البرهان، ج ۴، ص ۵۷؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۶۶.

۱۲. الدروس الشرعیة، ج ۱، ص ۳۱۰.

به شمار آید.<sup>۱</sup>

البته وجوب حج با بذل دیگری منوط به شرایطی است که گاه در آن اختلاف وجود دارد. آن شرایط عبارتند از:

۱. بذل مال به قید انجام حج: با توجه به این شرط چنانچه دیگری مالی را به طور مطلق - بدون تقید به انجام حج - در اختیار مبذول له قرار دهد، انجام حج بر او واجب نخواهد بود؛ چنان که مشهور متأخرین<sup>۲</sup>، وجوب حج در صورت هبه مال - حتی برای حج - را نپذیرفته و با این استدلال که پذیرش هبه نوعی اکتساب و تحصیل استطاعت است، منکر وجوب حج در صورت هبه مال گشته‌اند. بر خلاف صورت بذل مال که نوعی اباحه و از ایقاعات به شمار می‌رود و مصداق حصول استطاعت است نه تحصیل آن.<sup>۳</sup> این در حالی است که به تصریح شماری از امامیان، هبه مخارج حج نیز در حکم بذل است.<sup>۴</sup>

۲. وجوب حجة الاسلام بر مبذول له: بر

۱. استفتائات حج، صافی، ص ۱۵.

۲. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۱.

۳. الحدائق الناضرة، ج ۱۴، ص ۱۰۴.

۴. منتهی المطلب، ج ۱۰، ص ۷۹؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۱۳۴؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۶۸-۲۶۹.

۵. الدروس الشرعیة، ج ۱، ص ۳۱۰؛ الحدائق الناضرة، ج ۱۴، ص ۱۰۴؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۴۷.

۴. عدم استلزام منت از قبول بذل: به تصریح شماری از فقهای امامی<sup>۱</sup> و اهل سنت<sup>۲</sup>، قبول بذل، چنانچه موجب هتک بذل شونده یا منت‌گزاری بر او باشد، واجب نیست.

۵. پرداخت هزینه بازگشت توسط بذل‌کننده: در تحقق استطاعت به بذل دیگری، پرداخت هزینه بازگشت نیز توسط او دخالت دارد و چنانچه تنها به پرداخت هزینه رفت اکتفا کند، حج بذلی واجب نمی‌شود.<sup>۳</sup> البته برخی فقها گفته‌اند: «چنانچه عدم بازگشت بر بذل شونده حرجی نباشد، نپرداختن هزینه بازگشت مانع وجوب حج بر مبذول له نمی‌گردد».<sup>۴</sup> همچنین بذل مخارج خانواده بذل شونده، تا هنگام بازگشت بر باذل، لازم است؛ مگر آن که خود، نفقه خانواده‌اش را تا زمان بازگشت داشته باشد یا بنا بر قول برخی، در صورت نرفتن به حج نیز توان تأمین نفقه ایشان را نداشته باشد.<sup>۵</sup>

معدودی از فقها، افزون بر شرایط فوق، شرایطی چون تملیک زاد و راحله و بذل عین

زاد و راحله - نه قیمت آن‌ها - را شرط دانسته‌اند. بر اساس این دو شرط، اباحه زاد و راحله و نیز بذل قیمت آن، سبب وجوب حج نخواهد شد.<sup>۶</sup> در مقابل، بسیاری از فقها، با تمسک به اطلاق ادله، اشتراط این دو شرط را پذیرفته و برآند با نبود این شرایط هم حج بذلی واجب خواهد بود.<sup>۷</sup> البته چنانچه باذل، دیگری را در گرفتن وام برای انجام حج وکیل کند و خود متعهد پرداخت آن شود، از دیدگاه شماری فقیهان، استطاعت بذلی حاصل نشده و انجام حج واجب نمی‌شود.<sup>۸</sup>

#### ◀ احکام حج بذلی: در فقه امامی، فروع

متعددی درباره حج بذلی مطرح شده که برخی از آن‌ها در این محورها قابل بررسی است:

۱. جواز رجوع باذل از بذل: عموم فقیهان امامی، به استناد قاعده تسلط مردم بر اموال خود، رجوع باذل از بذل خویش، پیش از احرام مبذول له را جایز می‌دانند.<sup>۹</sup> برخی به جواز رجوع او پس از احرام مبذول له نیز قائلند.<sup>۱۰</sup> البته در این که بنا بر جواز رجوع،

۶. السرائر، ج ۱، ص ۵۱۷؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۱۳۳.

۷. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۶۳؛ کتاب الحج، انصاری، ص ۴۱-۴۰.

۸. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۰۹؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۸۹.

۹. دلیل الناسک، ص ۲۵؛ معتمد العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۷۷؛

فقه الصادق، ج ۹، ص ۱۰۹.

۱۰. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۰۳؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۷۸؛

تعالیق مبسوطه، ج ۱۰، ص ۳۱.

۱. انوار الفقاهه، ص ۲۳؛ مناسک حج محشی، ص ۲۲-۲۳.

۲. نهاية المحتاج، ج ۲، ص ۲۵۳؛ المغنی، ج ۳، ص ۱۷۰؛ المجموع، ج ۷، ص ۹۹.

۳. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۹۹؛ مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۰، ص ۱۳۲.

۴. معتمد العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۶۴.

۵. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۹۹.

بود.<sup>۵</sup> مگر آن که معلوم شود مال بذل شده غصبی بوده است.<sup>۶</sup> البته مرحوم شیخ طوسی، در برخی آثار خود، بر اساس روایتی، اعاده حج بذلی را به طور مطلق لازم دانسته است<sup>۷</sup> که مشهور فقیهان، روایت را بر استحباب حمل کرده‌اند.<sup>۸</sup>

۴. انکشاف غصبی بودن مال بذل شده: در چنین صورتی، حج مبذول له از حجة الاسلام او کفایت نمی‌کند و لازم است در صورت استطاعت، حجة الاسلام خود را انجام دهد.<sup>۹</sup>

۵. هزینه قربانی و کفاره در حج بذلی: به نظر مشهور فقهای شیعه، هزینه قربانی در حج بذلی، بر عهده باذل است.<sup>۱۰</sup> هزینه کفارات، در صورت ارتکاب عمدی، بر عهده حج گزار و در صورت ارتکاب از روی جهل، نسیان یا اضطرار، اختلافی است.<sup>۱۱</sup> ولی برخی قائلند از آن جا که باذل، تنها متکفل هزینه‌های حج شده و کفارات - چه عمدی، چه سهوی و چه

ضامن هزینه بازگشت مبذول له هست یا نه اختلاف وجود دارد.<sup>۱</sup>

۲. وظیفه مبذول له در صورت رجوع باذل یا تلف مال: از دیدگاه برخی فقیهان، با توجه به اشتراط وجوب حج به بقای استطاعت، چنانچه مبذول له پس از رجوع باذل، توانایی انجام حج را نداشته باشد، لازم نیست اعمال حج را به اتمام رساند و می‌تواند از احرام خارج شود. البته چنانچه نسبت به باقیمانده مناسک حج مستطیع باشد، لازم است مناسک حج را به پایان رساند.<sup>۲</sup> از بین رفتن مال در اثنای حج و نیز انکشاف عدم کفایت مقدار بذل شده برای انجام حج هم همین حکم را دارد.<sup>۳</sup>

۳. کفایت حج بذلی از حجة الاسلام: به نظر اکثر قریب به اتفاق فقهای امامی<sup>۴</sup>، حج بذلی از حجة الاسلام کفایت می‌کند. بنابر این اگر حج گزار پس از گزاردن حج مستطیع شود، دیگر حج بر او واجب نخواهد

۵. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۴۷؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۶۷؛

العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۰۳.

۶. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۰۹.

۷. الاستبصار، ج ۲، ص ۱۴۳-۱۴۴.

۸. مرآة العقول، ج ۱۷، ص ۱۵۹؛ ریاض المسائل، ج ۶، ص ۴۱؛

مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۲.

۹. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۰۹.

۱۰. معتمد العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۱۱. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۰۵؛ مناسک حج، محشی، ص ۴۹.

۱. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۰۳؛ معتمد العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۸۰؛  
فقه الصادق، ج ۹، ص ۱۱۳.

۲. المعتمد فی شرح المناسک، ج ۳، ص ۸۶.

۳. المعتمد فی شرح المناسک، ج ۳، ص ۸۶؛ معتمد العروة الوثقی،  
ج ۱، ص ۱۹۰.

۴. مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۰، ص ۱۳۹؛ معتمد العروة الوثقی،  
ج ۱، ص ۱۷۵.



اضطرابی - جزو هزینه‌های حج به شمار نمی‌رود، ظاهراً هزینه کفارات مطلقاً بر عهده باذل نیست.<sup>۱</sup>

### ◀ منابع

الاستبصار فيما اختلف من الاخبار: محمد بن حسن الطوسی (۳۸۵-۴۶۰ ق.)، به کوشش سید حسن موسوی الخراسان، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش؛ الاستذکار (الجامع لمذاهب فقهاء الامصار و علماء الاقطار فيما تضمنه الموطا من معانی الرأی و الآثار و شرح ذلك كله بالایجاز و الاختصار): یوسف بن عبدالله بن عبدالبر (۳۶۸-۴۶۳ ق.)، به کوشش سالم محمد عطا و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ ق؛ استفتائات حج: لطف‌الله صافی گلپایگانی، قم، نشر حضرت معصومه، ۱۴۲۲ ق؛ الانصاف فی معرفة الراجح من الخلاف علی مذهب الامام احمد بن حنبل: علی بن سلیمان المرادوی (م. ۸۸۵ ق.)، به کوشش محمد حامد فیقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ ق؛ أنوار الفقاهه: کتاب الحج، حسن بن جعفر نجفی کاشف الغطاء، (م. ۱۲۶۲ ق.)، نجف، مؤسسة کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ ق؛ بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع: ابوبکر بن مسعود الکاشانی (م. ۵۸۷ ق.)، پاکستان، مکتبه الحبیبیه، ۱۴۰۹ ق؛ تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه: حسن بن یوسف حلی (۶۴۸-۷۲۶ ق.)، به کوشش ابراهیم بهادری، قم، انتشارات مؤسسه امام صادق، ۱۴۲۰ ق؛ تحریر الوسیله: سید روح الله

خمینی (م. ۱۳۶۸ ش.)، قم، دار العلم؛ تحفة الفقهاء: محمد بن احمد السمرقندی (م. ۵۳۹ ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ ق؛ تذکرة الفقهاء: حسن بن یوسف حلی (۶۴۸-۷۲۶ ق.)، قم، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴-۱۴۲۳ ق؛ تعالیق مبسوطه علی العروة الوثقی: محمد کاظم یزدی، محمد اسحاق الفیاض، قم، محلاتی، بی تا؛ تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیله الحج: محمد فاضل موحدی لنکرانی (م. ۱۴۲۸ ق.)، بیروت، دار التعارف، ۱۴۱۸ ق؛ تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة للشیخ المفید: محمد بن حسن الطوسی (۳۸۵-۴۶۰ ق.)، به کوشش سید حسن موسوی خراسان و علی آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش؛ التوحید: محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) (۳۱۱-۳۸۱ ق.)، تصحیح سید هاشم حسینی طهرانی، مقدمه علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ ش؛ توضیح المناسک: سید محمد حسن مرتضوی لنگرودی، دفتر آیت‌الله لنگرودی، ۱۴۲۳ ق؛ جامع الفتاوی: سید مرتضی موسوی شاهرودی، تهران، مشعر، ۱۴۲۸ ق؛ جامع المسائل: محمد فاضل موحدی لنکرانی (م. ۱۴۲۸ ق.)، قم، امیر قلم؛ جامع المقاصد فی شرح القواعد: محقق الثانی علی عاملی (م. ۹۴۰ ق.)، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق؛ الجعفریات: محمد بن محمد کوفی (م. قرن ۴ ق.)، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام: محمد حسن بن باقر النجفی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش؛ حاشیه رد المحتار علی الدر المختار: شرح التنویر الابصار فی فقه مذهب الامام ابی حنیفه النعمان، محمد امین

۱. معتمد العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۸۳.

الغراء: جعفر كاشف الغطاء، تحقيق التبريزيان و ديگران، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۲۲ق؛ كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام: فاضل هندی (م. ۱۱۳۷ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۱ق؛ كفاية الاحكام: محمد باقر بن محمد مؤمن السبزواری، قم، نشر الاسلامي، بی تا؛ كلمة التقوى: محمد امين زين الدين (م. ۱۴۱۰ق.)، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۳ق؛ المبسوط في فقه الاماميه: محمد بن حسن الطوسي (۳۸۵-۴۶۰ق.)، به كوشش محمدباقر بهبودی و سيد محمدتقی كشفی، نجف، مطبعه الحيدريه، ۱۳۸۷ق؛ المبسوط: محمد بن احمد السرخسی (م. ۴۸۳ق.)، بيروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ مجمع الفائدة و البرهان في شرح ارشاد الاذهان: مقدس اردبیلی احمد بن محمد (م. ۹۹۳ق.)، به كوشش مجتبی عراقی و حسين یزدي و علي پناه اشتهاردی (۱۲۹۶-۱۳۸۷ش.)، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۰۳ق؛ المجموع شرح المهذب: يحيى بن شرف النووي (۶۳۱-۶۷۶ق.)، بيروت، دار الفكر؛ المحاسن: احمد بن محمد بن خالد البرقي (م. ۲۷۴ق.)، به كوشش سيد جلال الدين محدث ارموي، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۲۶ش؛ مختلف الشيعه في احكام الشريعه: حسن بن يوسف حلي (۶۴۸-۷۲۶ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۲ق؛ مدارك الاحكام في شرح شرائع الاسلام: سيد محمد بن علي موسوي عاملي (۹۵۶-۱۰۰۹ق.)، قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ۱۴۱۰ق؛ مرآة العقول في شرح اخبار آل الرسول: محمد باقر المجلسي (۱۰۳۷-۱۱۱۰ق.)، به كوشش سيد هاشم رسولي محلاتي، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۶۳ش؛ مسالك الافهام الي تنقيح شرائع

بن عابدين (م. ۱۲۵۲ق.)، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۵ق؛ الحدائق الناضرة في احكام العترة الطاهره: يوسف بن احمد البحراني (م. ۱۱۸۶ق.)، تحقيق محمد تقی ايرواني و علي آخوندي، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۳۶۳ش؛ الخلاف في الاحكام: محمد بن حسن الطوسي (۳۸۵-۴۶۰ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۰۷ق؛ دليل الناسك: سيد محسن طباطبائي حكيم، نجف، دار الحكمة، ۱۴۱۶ق؛ ذخيرة المعاد في شرح الارشاد: محمدباقر بن محمد مؤمن سبزواری (م. ۱۰۹۰ق.)، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ۱۴۲۷ق؛ رياض المسائل في بيان احكام الشرع بالدلائل: سيد علي طباطبائي (م. ۱۲۳۱ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۲ق؛ السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى: محمد بن احمد بن ادريس (م. ۵۹۸ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۱ق؛ العروة الوثقى: سيد محمدكاظم طباطبائي يزدي (۱۲۴۷-۱۳۳۷ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۲۰ق؛ العين: الخليل بن احمد الفراهيدي، قم، دار الهجرة، ۱۴۱۰ق؛ فقه الصادق عليه السلام: سيد محمد صادق حسيني روحاني، قم، دار الكتاب، ۱۴۱۳ق؛ الكافي: محمد بن يعقوب كليني (م. ۳۲۹ق.)، به كوشش علي اكبر غفاري، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۷۵ش؛ كتاب الحج: سيد محمد محقق داماد (م. ۱۳۸۸ق.)، به كوشش جوادى آملی، قم، چاپخانه مهر، ۱۴۰۱ق؛ كتاب الحج: سيد محمود شاهرودى (م. ۱۳۹۴ق.)، مقرر ابراهيم جناني، قم، انصاريان، ۱۳۸۱ق؛ كتاب الحج: مرتضى بن محمد امين انصاري دزفولي (م. ۱۲۸۱ق.)، قم، مجمع الفكر الإسلامي، ۱۴۲۵ق؛ كشف الغطاء عن مبهمات الشريعه

الاسلام: زين الدين بن علي، شهيد ثاني (۹۱۱-۹۶۶ق.)، قم، انتشارات معارف اسلامي، ۱۴۱۶ق؛  
**مستمسك العروة الوثقى**: سيد محسن حكيم (م. ۱۳۹۰ق.)، قم، انتشارات كتابخانه آيتالله العظمى مرعشى نجفى، ۱۴۰۴ق؛ **مستند الشيعة فى احكام الشريعة**: احمد بن محمد مهدي التراقى (۱۱۸۵-۱۲۴۵ق.)، قم، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، ۱۴۱۵ق؛ **المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى**: احمد بن محمد المقرئ الفيومى (م. ۷۷۰ق.)، دار الفكر؛ **مصباح الهدى فى شرح العروة الوثقى**: محمدتقى آملی (م. ۱۳۹۱ق.)، تهران، انتشارات فردوسى، ۱۳۸۰ق؛ **معتمد العروة الوثقى**: محاضرات الخويى (۱۳۱۷-۱۴۱۳ق.)، به كوشش رضا خلخالى، قم، انتشارات مدرسه دارالعلم، ۱۴۰۴ق؛ **المعتمد فى شرح المناسك**: (كتاب الحج: محاضرات الخويى): محمدرضا موسوى خلخالى، قم، مدرسه دارالعلم، ۱۴۱۰ق؛ **معجم مقاييس اللغة**: احمد بن فارس (م. ۳۹۵ق.)، به كوشش عبدالسلام محمد هارون، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، ۱۴۰۴ق؛ **مغنى المحتاج الى معرفة معانى الفاظ المنهاج**: محمد بن احمد الشربينى (م. ۹۷۷ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۳۷۷ق؛ **المغنى**: عبدالله بن قدامة (م. ۶۲۰ق.)، دار الكتاب العربى، بيروت؛ **مفاتيح الشرائع**: محمد بن شاه مرتضى فيض كاشانى (۱۰۰۶-۱۰۹۱ق.)، تحقيق سيد مهدي رجائى، قم، انتشارات كتابخانه آيتالله العظمى مرعشى نجفى، بي تا؛ **من لا يحضره الفقيه**: محمد بن على بن بابويه (شيخ صدوق) (۳۱۱-۳۸۱ق.)، تحقيق و تصحيح على اكبر غفارى، قم، دفتر انتشارات اسلامى، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق؛ **مناسك الحج**: سيد ابوالقاسم موسوى خويى، قم، مهر، ۱۴۱۱ق؛

مناسك حج (محتشئ)، محمدرضا محمودى، تهران، مشعر، ۱۴۲۹ق؛ **منتهى المطلب فى تحقيق المذهب**: حسن بن يوسف حلى (۶۴۸-۷۲۶ق.)، مشهد، انتشارات بنياد پژوهش هاى اسلامى آستان قدس رضوى، ۱۴۱۴ق؛ **نهاية المحتاج الى شرح المنهاج**: الشافعى الصغير (م. ۱۰۰۴ق.)، بيروت، دار احياء التراث، ۱۴۱۳ق؛ وسائل الشيعة، محمد بن حسن حرّ عاملى، قم، آل البيت، ۱۴۱۴ق؛ **يك دوره فقه كامل فارسى**: محمد تقى مجلسى، مقدمه سيد شهاب الدين مرعشى نجفى، تهران، فراهانى، ۱۴۰۰ق.

حميدرضا خراسانى؛ رضا عنديلى



### حج بردگان ← حج محجوران

**حج بلدى: اداى حج به نيابت از ديگرى از وطن يا هر مكاني جز مواقيت**

بلد در لغت به معنای سرزمین و وطن است.<sup>۱</sup> حج بلدى، در اصطلاح فقها، حجى است كه حج گزار، به نيابت از شخص متوفى يا عاجز، از سرزمین محل سكونت يا استطاعت او، آن را آغاز كند؛ به گونه اى كه سفر حج (مقدمه) و مناسك حج (ذی المقدمه) هر دو به نيابت از منوب عنه انجام شود.<sup>۲</sup> البته در باره مراد از

۱. العين، ج ۸، ص ۴۲؛ مفردات، ص ۱۴۲؛ لسان العرب، ج ۳، ص ۹۴. «بلد».

۲. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۴۲۷؛ منتهى المطلب، ج ۲، ص ۸۷؛ مستند العروة، ج ۱، ص ۵۰۴. «كتاب الاجاره».